

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

ایران در تراث دینی

دقت در تراث دینی پیرامون ایران و رفتارهایی که پیامبر و ائمه و به تبع^۱ آن قرآن دارد عجیب است. اینگونه نیست که این تراث شنیدنی، تنها از سوی عالمان ایران و شیعه نوشته و گفته شده باشد تا بوی تعصب دهد.^۲ بلکه سنی‌های عرب غیرایرانی هم مطرح کرده اند. اگر کسی به ذیل آیات سوره مائده^۳ و جمعه و قتال^۴ و روایت وارده توجه کند و آن‌ها را جمع آوری کند متوجه نگاه ویژه به ایران می‌گردد. روایت ذیل مائده از نظر رجالی بحث و گفتگو دارد اما در ذیل آیه جمعه اینگونه نیست، زیرا از دسته روایاتی است که «متفق علیه علی شرط شیخین» است یعنی مطابق سخت‌ترین مبنا از روایت صحیح است. و جمله معروف رسول خدا که به شانۀ سلمان زدند و فرمودند «هَذَا وَذُوهُ لَوْ كَانَ الدِّينُ مُعَلَّقًا بِالثَّرِيَّا لَنَالَهُ رِجَالٌ مِنْ أَبْنَاءِ فَارِسَ».

در طول تاریخ هم ائمه عنایت ویژه‌ای به ایرانیان داشته اند. به طور مثال دو برادر از قم برای دیدار امام صادق علیه السلام عازم مدینه بودند، امام به خانه و خانواده سفارش می‌کردند که من بیرون می‌روم و دو برادر می‌آیند که از ما اهل بیت هستند. البته نمی‌توان گفت «رجال من ابناء فارس» اکنون ما هستیم، اما در مجموع عنایت ویژه‌ای وجود دارد البته عنایتی که از روی حکمت است و گرنه خداوند با ایران، قوم و خویشی نداشته است و به همه بندگان خود یکسان نظاره می‌کند. در هر صورت خیلی مایه امید است و کمتر به این نکته پرداخته می‌شود.

آسیب‌شناسی چالش‌ها

پیروزی انقلاب سرعت عجیبی داشت. این سرعت همه را خوشحال کرد، اما از جهتی این شدت از خوشحالی را در بر نداشت چون نیرو و برنامه نبود لذا چالش‌ها و مسائلی را پدید می‌آورد. از یک طرف برخی حقوقی‌های کاملا لیبرال و آرام که متعلق به آن دوران نبودند و شاید افراد مناسب تری از آن‌ها برای اداره مملکت وجود

^۱ . از نظر دلالت نه از نظر تاسیس

^۲ . گرچه اگر روایت معتبر بود دیگر بحثی وجود نخواهد داشت.

^۳ . يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضَّلَ اللَّهُ يَوتِيهِ مِنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۵۴)

^۴ . وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ الذَّالِمِينَ (۱۹۳ بقره)

داشتند. از سوی دیگر نیروهای افراطی بودند که برای کشور و انقلاب هزینه درست می کردند و اکنون هم هزینه به وجود می آورند.

مسئولین و بزرگان نظام باید با نگاه آسیب شناسانه به مسائل نظر می کردند. اکنون با آسیب هایی مواجه هستیم. به طور مثال مطابق خبر رسانه ها فردی که متهم به جاسوسی می شود و سابقا در دهه هفتاد یا هشتاد محکوم می شود دوباره منصب می گیرد و سپس اعدام می شود. اگر همان زمان که محکوم شده بود مسئولیت و منصبی نمی گرفت و به کار حساس گمارده نمی شد، کار بدین جا کشیده نمی شد و این شخص اعدام نمی گردید و چنین هزینه ای هم ایجاد نمی شد. بالاخره يك نفر از بین رفته و اعدام شده است و چقدر هزینه برای کشور درست شده است.

چیزی که انسان را ناراحت می کند اگر هم بخواهند آسیب شناسی کنند، اولاً آن امر آسیب نیست. مثل ریزشی که مردم در انتخابات داشتند و به زیر پنجاه درصد رسید، این ریزش را به کرونا نسبت می دهند. آیا واقعا اینگونه است؟ آیا تاملی در تاثیر کرونا بر انتخابات صورت گرفته است؟ این نحوه از نگاه فایده‌ی چندانی ندارد. ثانياً اگر آسیب شناسی هم گردد، راهکارهای بسیار سطحی و ساده ارائه می شود که فاصله‌ی زیاد با واقع را نشان می دهد. بنابراین باید دعا نمود. توجه به رقیب نشان می دهد که آن ها از کسانی هستند که به فکر مملکت، کشور و اسلام نیستند تا جایی که گستاخانه می گویند اگر ایران تجزیه بشود اشکالی ندارد.

متأسفانه برخی جانب‌داری‌ها آسیب زا است. اگر عنوان و تیتر برخی از سرمقاله ها و روزنامه های کشور را از سرمقاله حذف کنید، به سختی تشخیص داده می شود که این نوشته از غیر مامور اسرائیل باشد. اگر همه مسئولان را از صدر تا ذیل زیر سوال ببرد، خدمت به سازمان های جاسوسی است. کارگزاران و مسئولان و نویسندگان باید دقت کنند، این مطالبه به عنوان يك شهروند است تا دقت‌ها بیشتر و دفاع‌ها فنی تر باشد.

اقلیت های دینی

از بحث های مهم فقه سیاسی، مشارکت سیاسی است. چون بحث، خارج فقه است، منظور مشارکت سیاسی در نظام اسلامی است. منظور از نظام اسلامی، نظام جمهوری اسلامی نیست چون يك مصداق است بلکه منظور سیستم سیاسی اسلام است. و سخن از این است که مردم چه نوع مشارکتی دارند و آیا اساساً مشارکتی دارند؟ به مناسبت مشارکت سیاسی مردم در بحث مهم اقلیت ها ورود پیدا کردیم. اقلیت ها به را کلمه دینی اضافه نمی کنیم، چون این يك نوع اقلیت است. نظیر اقلیت های دینی، اقلیت های قومی، اقلیت های جغرافیایی و ...

در بحث اقلیت ها به قانون اساسی سپس به متون فقهی پرداخته شد. در جلسه سابق به متن شرح لمعه به عنوان متن فقهی توجه گردید. قانون اساسی به سه گروه از اقلیت های یهود، نصاری و مجوسیان اشاره می کند. سپس قانون اساسی می گوید اقلیتهای مذکور می توانند انجمن و تشکیلات داشته باشند. همچنین به اصل بیست و ششم اشاره گردید.

نظریه‌ی تحقیق در بحث اقلیت‌ها

دو اصطلاح فقهی و شرعی وجود دارد. وقتی به سراغ فقها و فقه می‌رویم، گفته می‌شود این مطلب بررسی فقهی گردید اما وقتی ادله بررسی می‌گردد می‌گوییم شرعی است. در این جلسه قرار است شرعی بحث شود. سخنی که گفته می‌شود یک طرح و به قول پایان نامه نویس‌ها یک فرضیه است. البته فرضیه ای که بسیار برای آن تلاش شده است.^۵ به نظر ما مقتضای ادله، نظر فقها در متون فقهی و تدوین کنندگان قانون اساسی را تأمین نمی‌کند. البته برخی تدوین کنندگان قانون اساسی نظر متفاوت و شبیه ما داشته اند اما رای گیری شده و اکثریت ملاک بوده و همان اکثریت ثبت شده است.

گاهی چیزی به عنوان، ملت، شهروند و مرز را قبول نمی‌کنیم و می‌گوییم ما چیزی بنام ملت عراق نداریم و آنچه که داریم امت است. امت اسلام و غیر اسلام است. دولت هم دولت های مدرن نداریم مثل دولت عراق و دولت ایران، بلکه آنچه داریم، دولت اسلام و حکومت اسلامی است. مرز هم نداریم. اما گاهی با این موارد کنار می‌آییم مثل جمهوری اسلامی که کنار آمده است. جمهوری اسلامی دولت مدرن، ملت ایران و مرز را پذیرفته است و حاضر به عقب نشینی یا تجاوز نسبت به مرز خود نیست. حال که پذیرفته شد و ملت درست شد، نباید اقلیت های دینی هم درست شود، همانطور که اقلیت لر و کرد و ترک ایجاد نمی‌کنیم که در اصل نوزدهم^۶ به آن اشاره شده است. این اصل از اصول درخشان قانون اساسی است.

در اصل سیزدهم^۷ از اقلیت های زردشتی و مسیحی و کلیمی سخن گفته است. این اصل در مورد صابئین سخنی نگفته است. ممکن است قابل ذکر نبوده باشد. تعداد محدودی صابئین در منطقه اهواز زندگی می‌کنند. برخی از بزرگان با توجه به آیات قرآن مثل «النصاری و الصابئین»^۸ می‌خواهند بگویند که صابئین جزء اقلیت های رسمی باید محسوب شوند هر چند تعداد آن ها اندک است. بنابراین تدوین کنندگان قانون اساسی ممکن است ذهنشان این نبوده یا نخواستند بگویند یا قبول نداشته اند.

برخی بودیسم را از ادیان توحیدی به شمار می‌آورند.^۹ اما قانون اساسی تصمیم داشته بر اساس فقه عمل کند. چون فقه همین سه اقلیت را می‌آورد و از صابئین و بودیسم یادی نمی‌کند. خود زرتشتی هم محل بحث است، برخی قبول ندارند و تنها یهودیان و مسیحیان را به رسمیت می‌شناسند.

مقصودمان این نیست، اصل سیزدهم بی بنیان است بلکه پشتوانه آن قوت فقه قوی است. اما ممکن است گفته شود وقتی این مفاهیم پذیرفته شود چیزی بنام اقلیت های دینی باشد، همانطور که اقلیت های قومی و نژادی تصور نمی‌کنیم، برای این امر هم نباید موجب تصویب قانون شود. طبیعتاً از قواعد عام کشور تبعیت می‌کنند هر چند کمی چالش به همراه داشته باشد.

^۵ . از اساتید حوزه و رجل های سیاسی، اگر مخالف این طرح و نظریه اند، می‌توانند در کرسی نظریه پردازی به آن پرداخت.

^۶ اصل ۱۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

^۷ اصل ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.

^۸ . إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره/۶۲)

^۹ . زمانی از آقای محمدتقی جعفری راجع بودیسم که شبیه اهل کتاب را مطالعه می‌کردم.

اگر مفهوم ملت و دولت مدرن پذیرفته شد، دیگر باید تنها مواردی نظیر محاربه، بغي، جاسوسي، افساد في الارض و فتنه خط قرمز باشد. اگر فرقه‌اي مصداق فتنه است اتفاقاً باید برخورداري سريع، قاطع و عادل صورت بگیرد. حکومت با اغتشاش و محاربه، بغي، فساد و فتنه نباید کنار بیاید البته به شرطی که عادلانه هم باشد. اما اگر کسی که هیچ کاری ندارد و کار خود را انجام دهد، اینکه بخواهیم این فرد را به عنوان اقلیت حساب کنیم و در رفتارها بخواهیم برخی تبعیض‌ها قائل شویم به نظر ما از تراث دینی بر نمی آید و صرفاً يك برداشت از تراث دینی است.

در برخی اوقات بنیان يك فرقه و گروه بر اساس فتنه و هدایت از خارج است. ما کشوری هستیم که از همه این‌ها گزیده شده ایم. به طور مثال جریان بهائیت یا بهائیت جدید مثل یمانی و امثال یمانی یا جریان حزب توده، جریان‌ها و سازمانهای جاسوسي هستند. فعالیت با نام و نشان این گروه‌ها رسمیت دادن به جاسوسي و فتنه است.^{۱۰}

یک امری به نام اقلیت‌های دینی وجود دارد که اگر بخواهیم برخوردار از حقوق شهروندی باشند، تعبیر اقلیت، موضوعیت ندارد و اگر می‌خواهیم بانی از تبعیض را باز کنیم دیگر شرعیت ندارد. در نامه امام علی علیه السلام به مالک آمده است: «وَأَشْعِرُ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ، وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَحَقُّ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ^{۱۱}» حضرت علی علیه السلام که تصمیم گرفتند جناب مالک را به مصر روانه کنند، نهاد رعیت را درست می‌کنند. منظور از رعیت، کشاورز نیست بلکه امتی است که باید منافع آن‌ها حفظ شود. در مصری که مالک می‌خواهد برود، مسیحی، قطبی و بت پرست بوده است. بنابراین این متن يك منشور و مانیفست برای تساوی است. یعنی اینگونه باید به مصر نگاه شود. اگر به نامه‌های حضرت علی علیه السلام توجه گردد در مورد ناس و رعیت و امثال ذالک سخن گفته است، اما تأکید بر مسلمان بودن و اقلیت، در تراث دینی دیده نمی‌شود.

استثنائاتی که بیان شد، وقتی به صحنه خارج می‌آید دچار چالش می‌شود. به طور مثال وقتی می‌گوییم اصل ۱۳ و ۲۶ بازنگری شود، این امر در خارج ممکن است مورد سوء استفاده‌ی زیادی واقع شود، اما هنر مطرح‌کننده‌ی بحث‌های نظری و هنر حاکمیت که می‌خواهد اعمال کند، این است که از سوء استفاده‌ها جلوگیری کند. اینکه مانع آزادی شد و سپس گفته شود سوء استفاده می‌گردد، هنر نیست بلکه اختناق است. اهل اختناق مانع آزادی به بهانه سوء استفاده می‌شوند.

از سویی دیگر چقدر سوء استفاده می‌شود. این مشکل بحثی و نظری نیست بلکه مشکل عملی است که باید راهکارهای خود را طی کند. مثلاً اگر حاکمیت قدرتمند باشد، و نخبگان حاکمیت را اداره کنند. مردم نقش روشن و بارز داشته باشند و اصل شفافیت حاکم باشد و قوه قضائیه صریح، قاطع و بی‌طرف باشد خیلی از مشکلات و سوء استفاده‌ها حل می‌شود. بنابراین بحث‌های تئوریک صورت می‌گیرد که ممکن است در صحن عمل مشکلات خاصی را به وجود می‌آورد.

^{۱۰} کسی که مطالعه تاریخ داشته باشد می‌داند چه فتنه‌هایی از این فرقه‌ها سر زده است.

^{۱۱} نامه ۵۳ نهج البلاغه

«الحمد لله رب العالمين»